



درس فراه فقہ استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس
 تاریخ: ۲۳ فروردین ۱۳۹۳
 موضوع جزئی: المقام الثالث: فیما یستثنی من الخمس فی الغنائم الحربیة - الجہة الثانیة
 مصادف با: ۱۲ جمادی الثانی ۱۴۳۵
 سال چهارم
 جلسہ: ۹۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصہ جلسہ گذشتہ:

قبل از اینکه به جهت ثانیه پردازیم لازم است به اصل بحث در مقام ثالث اشاره‌ای داشته باشیم. عرض کردیم مقام ثالث «فیما یستثنی من الخمس فی الغنائم الحربیة» است. یعنی در مستثنیات از خمس غنائم جنگی یعنی آن چیزهایی که کسر می‌شود بعد خمس واجب می‌شود لذا در سه جهت بحث واقع شده:

یکی اینکه هزینه‌هایی که برای حفظ و نگهداری غنائم لازم است این هزینه‌ها کسر و بعد خمس واجب می‌شود.

دوم آن مواردی که امام لمصلحة به شخصی هدیه می‌کند یا در جهتی از جهات عامه صرف می‌کند.

سوم هم صفایا هستند که بیان خواهد شد منظور از صفایا چیست.

پس از بحث در مقام سوم، وارد در مقام چهارم خواهیم شد. مقام چهارم فیما لا یستثنی من الخمس است یعنی مواردی که از خمس استثناء نشده است مثل مؤونه سنه و سلب که البته در مورد آن اختلاف است.

پس به طور کلی در مورد غنائم جنگی از ابتدا تا به اینجا ما دو مورد بررسی قرار دادیم مقام سوم و مقام چهارم بحث (که فعلاً در مقام سوم هستیم) پیرامون دو مطلب است مقام سوم پیرامون مستثنیات از خمس است و مقام چهارم هم فیما لا یستثنی من الخمس فی الغنائم الحربیة یکی آن چیزهایی که از خمس غنائم جنگی استثناء می‌شود یعنی خمس بعد از اخراج آنها واجب می‌شود و دوم آن مواردی است که از خمس استثناء نمی‌شود. با ملاحظه این نکته‌ای که بیان شد به بحث خودمان بر می‌گردیم. گفتیم در مقام سوم یعنی فیما یستثنی من الخمس در سه جهت بحث می‌کنیم؛ جهت اولی این بود که آیا هزینه‌هایی که برای حفظ و نگهداری و نقل و انتقال غنیمت جنگی قهراً محقق می‌شود این هزینه‌ها آیا مربوط به بعد القسمة و بعد تقسیم الغنائم است یا مربوط به قبل القسمة و قبل از تقسیم غنائم است به عبارت دیگر این هزینه‌ها را باید مقاتلین بدهند یا خیر که نتیجه بحث ما این شد که ابتدا این هزینه‌ها کسر می‌شود آنگاه تقسیم می‌شود و یک پنجم به کسانی که به عنوان صاحبان خمس شناخته می‌شوند تعلق می‌گیرد و چهار پنجم آن مربوط به مقاتلین است البته جای بحث دارد که ابتدا باید خمس را جدا کنند و بعد بین مقاتلین تقسیم کنند یا آنکه بین مقاتلین تقسیم می‌کنند و خمس آن را مقاتلین باید پرداخت نمایند. این را بعداً بررسی خواهیم کرد.

الجہة الثانیة:

امر و جهت دومی که از خمس استثناء می‌شود آن مواردی است که امام (ع) مصلحت می‌بیند این هزینه‌ها انجام شود مثلاً امام صلاح می‌بیند بخشی از غنائم جنگی در جهتی از جهات عامه صرف شود یا مصلحت می‌بیند به عنوان تألیف قلوب به بعضی از کفار داده شود یا یک شخص خاص از مسلمین به جهت ابتلائات و گرفتاری‌هایی که دارد، این مال به او هدیه

شود به هر حال آن مواردی را که امام صلاح می‌بینند به شخص یا اشخاصی هدیه کنند یا جهت عامه‌ای را مورد نظر قرار می‌دهند، اینها هم ابتدائاً توسط امام صورت می‌گیرد بعد خمس واجب می‌شود به عبارت دیگر این مصارف هم از مصارف و هزینه‌هایی است که از خمس استثناء می‌شود و خمس بعد از کسر این هزینه‌ها واجب می‌شود.

اما دلیل بر این استثناء دو دلیل است:

دلیل اول:

دلیل اول بعضی از روایات است که تصریح کرده‌اند به اینکه قبل از قسمت و قبل از تعیین سهام امام هر کاری را که صلاح بدانند در رابطه با غنائم می‌توانند انجام بدهند از جمله صحیح زراره که در جلسه گذشته مورد اشاره قرار گرفت؛ در این صحیح این گونه آمده بود که «الإمامُ يُجْرِي وَ يُنْفِلُ وَ يُعْطِي مَا شَاءَ قَبْلَ أَنْ تَقَعَ السَّهَامُ»^۱ می‌تواند از غنائم قبل از آنکه سهام واقع شود (قبل از تقسیم و تسهیم غنائم جنگی) هر آنچه را که صلاح بدانند به دیگران ببخشند. یا مرسله حماد که اگر چه از نظر سندی ضعیف است به خاطر ارسال ولی از نظر دلالت کاملاً بر این مدعا دلالت می‌کند؛ مرسله حماد را هم در مباحث گذشته مورد اشاره قرار دادیم.

در این روایات به صراحت این اختیار به امام داده شده که می‌تواند قبل از وقوع سهام و قبل از تعیین و تقسیم، این غنائم را در هر جهتی که مصلحت می‌داند صرف بکند.

دلیل دوم:

دلیل دوم ادله‌ای است که ولایت مطلقه را برای امام (ع) ثابت می‌کند؛ ادله‌ای داریم که برای امام معصوم (ع) ولایت مطلقه را ثابت کرده، آن ادله در ما نحن فیه اثبات می‌کند که امام (ع) هر نوع که صلاح بداند می‌تواند در رابطه با اموال و غنائم جنگی تصمیم بگیرد و به هر کسی که صلاح بداند، ببخشد چون امام طبق این ادله ولی امر المسلمین و اولی بهم من انفسهم است پس وقتی امام صلاح دید که مالی را به کسی ببخشد و اعطاء کند و در جهتی صرف کند این دیگر از موضوع خمس خارج می‌شود و دیگر خمس به آن تعلق نمی‌گیرد و از مستثنیات خمس می‌شود چون وقتی امام یک مالی را به کسی هدیه داد این دیگر عنوان غنیمت ندارد؛ اگر فرض کنیم امام جاریه‌ای را در بین غنائم به مصلحتی به کسی هدیه کردند، این جاریه برای آن شخص دیگر عنوان غنیمت ندارد و نسبت به آن شخص عنوان هدیه و عطیه پیدا می‌کند پس ادله خمس غنیمت، دیگر خمس را برای آخذ واجب نمی‌کند چون این ادله می‌گوید که خمس در غنیمت جنگی واجب است یعنی اگر مجاهدین غنیمتی نصیبشان شد و امام غنیمت‌ها را بین آنها تقسیم کرد باید خمس بپردازند اما اگر به عنوانی غیر عنوان غنیمت این مال به آنها داده شد دیگر دلیل وجوب خمس غنیمت اینجا جریان پیدا نمی‌کند. حال اگر کسی قائل شد به اینکه هدیه هم خمس دارد آنگاه آخذ به اعتبار اینکه هدیه هم خمس دارد، باید خمسش را بپردازد ولی اگر قائل شد به اینکه هدیه خمس ندارد دیگر اساساً خمسی بر او واجب نیست. در هر صورت به عنوان غنیمت، خمسی بر ذمه این شخص نیست چرا که ادله وجوب خمس در غنائم جنگی خمس را برای این مالی که امام به این شخص هدیه کرده است، واجب نمی‌کند.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۵۷، حدیث ۹؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۲۳، باب ۱ از ابواب الانفال و ما یخص بالامام، حدیث ۲.

نتیجه:

پس به این دو دلیل یعنی روایات خاصه که تصریح می‌کند امام به هر نحوی که صلاح بداند می‌تواند در غنائم جنگی تصرف کند و آن را در جهتی از جهات و یا برای شخصی از اشخاص صرف کند و این قبل از وقوع السهام است و لذا می‌گوییم به آن خمس تعلق نمی‌گیرد و از مستثنیات خمس است. و دلیل دوم هم ادله مثبتیه ولایت مطلقه برای امام معصوم است و اگر این برای امام ثابت شد که اگر غنیمتی را به کسی هدیه بدهد این دیگر هدیه است لایصدق علیه أنه غنیمه فلا تشمله ادلة وجوب الخمس فی الغنیمه. ادله وجوب خمس غنیمت شامل این مورد نمی‌شود. به این دو دلیل ادعا می‌کنیم خمس در اینجا ثابت نیست به عبارت دیگر الخمس واجبٌ بعد اخراج الامام من الغنیمه شیئاً لمصلحة.

سؤال: ظاهراً اینجا خلطی پیش آمده است؛ ما کاری نداریم که بر ذمه آخذ خمس واجب است یا نه (این یک بحث دیگری است) اینجا بحث در این است که بالاخره قبل از تعیین، مالی را که امام می‌خواهد در راهی صرف کند یا اعطاء نماید، آیا مشمول خمس می‌شود یا نه.

استاد: اگر غنیمت بود باید خمس آن را می‌پرداخت؛ غنائمی را که امام به مقاتلین می‌دهد، آیا در همین ابتداء خمس را جدا می‌کند و بعد تقسیم می‌کند یا نه ابتداء بین مقاتلین تقسیم می‌شود؟ آیا یک پنجم مال صاحبان خمس می‌شود و چهار پنجم برای مقاتلین باقی می‌ماند؟ چه کسانی باید خمس را بپردازند؟ ممکن است گفته شود با تقسیم این حق برای صاحبان خمس در غنائمی که بین مقاتلین تقسیم شده، ایجاد می‌شود و این گونه نیست که ابتداء خمس را جدا کرده و سپس بین مقاتلین تقسیم کنند؛ طبق این احتمال اگر تقسیم شد در حقیقت صاحبان خمس در این اموالی که در اختیار مقاتلین است به نحو مشاع مالک یک پنجم از این اموال هستند.

پس خلطی نیست. اگر خود امام به هر دلیلی مصلحت دیده این مرکب یا جاریه یا مالی را به شخص خاصی بدهد، می‌خواهیم ببینیم آیا این متعلق خمس هست یا نیست؟ این قبل وجوب الخمس است یا بعد وجوب الخمس؟ می‌فرماید: قبل القسمة و قبل أن تقع السهام است یعنی الخمس واجبٌ بعد اخراج ما جعله الامام من الغنیمه شیئاً لمصلحة. سؤال: زمان اخراج خمس با این سخن هم خوانی ندارد یعنی این بحث درست است ولی به نظر می‌رسد به بحث ما ربطی ندارد.

استاد: نه این گونه نیست؛ لذا ما عنوان تغییر دادیم و گفتیم فیما یستثنی من الخمس و بحث ما در مستثنیات از خمس است که یکی از این مستثنیات همین جهت دومی است که بحث کردیم و لذا محل بحث از آن همین محل است.

اینجا سخن از تقسیم و تسهیم است؛ گاهی تقسیم بین مقاتلین مد نظر است و گاهی تسهیم بین مقاتلین و صاحبان خمس مورد نظر است. طبق احتمال اول امام این اموال را بین مقاتلین تقسیم می‌کند و وقتی تقسیم کرد یک پنجم سهم صاحبان خمس و چهار پنجم سهم مقاتل خواهد بود. لذا تا وقتی مقاتلین مالک نشوند یعنی تا زمانی که غنائم تقسیم نشود نمی‌توانند خمس بپردازند. اما طبق احتمال دوم از ابتدا خود امام خمس را اخراج می‌کند.

بحث جلسه آینده: جهت سوم فی وجوبه بعد اخراج الصفا یا است که یعنی خمس واجب است بعد اخراج صفا یا. از مستثنیات خمس در غنائم جنگی صفا یا هستند که در جلسه آینده مطرح خواهیم کرد إن شاء الله.

در بحث اندکی دقت کنید چون در کلمات و مباحث خیلی روشن هم نشده است که خمسی که در غنائم جنگی واجب است آیا در غنائم جنگی این خمس را در همان ابتداء امام اخراج می‌کند و بعد آنچه باقی می‌ماند بین مقاتلین تقسیم می‌شود یا نه بعد از کسر این هزینه‌ها بین مقاتلین تقسیم می‌شود لکن صاحبان خمس به نحو مشاع در یک پنجم از این اموال با مقاتلین سهیم هستند؛ روی این بحث و مسئله دقت و توجه داشته باشید إن شاء الله.

«والحمد لله رب العالمین»